

# آسیب‌شناسی سیاسی-حقوقی مصوبات مرتبط با ورزش و تربیت بدنی در مجلس شورای ملی عهد پهلوی دوم

\* امین عادل خانی

\*\*

سید محمدحسین رضوی

\*\*\* مرتضی دوستی

## چکیده

هدف این پژوهش، آسیب‌شناسی حقوقی-سیاسی احکام و قوانین مرتبط با امور ورزش و تربیت بدنی مجلس شورای ملی در عهد پهلوی دوم بر مبنای

---

\* دانشجوی دکترای مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (a.adelkhani@gmail.com)

\*\* (نویسنده مسئول) استاد گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (M.razavi@umz.ac.ir)

\*\*\* دانشیار گروه مدیریت ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران، (m\_dostipasha@yahoo.com)

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۵

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره نخست، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۱۷-۱۸۵

نظریه‌های دولت قانون و قانون‌گذاری خوب است. نکته قابل توجه در مورد اهمیت و ضرورت پژوهش این است که نخبگان ایران پس از انقلاب مشروطیت سعی در نهادینه و محدودسازی نظام سیاسی به قانون داشتند؛ این مهم در عرصه‌های گوناگون، از جمله تربیت بدنی و ورزش، به‌عنوان گسترده‌ترین پدیده اجتماعی عصر حاضر در دوره‌های مختلف مجلس در عصر پهلوی دوم، به چشم می‌خورد. در دنیای مدرن، ورزش مبتنی بر جامعه، ورزش مبتنی بر نخبگان، توسعه ورزش به‌مثابه صنعت، و توسعه ورزش به‌مثابه ابزار تربیت عامه، رویکردهای چهارگانه‌ای هستند که در مدل مول و همکاران، در چهار سطح آموزشی، همگانی و تفریحی، قهرمانی، و حرفه‌ای دسته‌بندی شده‌اند؛ بنابراین، این پژوهش با رویکرد کیفی انتقادی، در پی بررسی اصل تشریفات تقنینی از اصول قانون‌گذاری خوب، در ضمن تحلیل روند و جهت‌گیری سیاست‌های تقنینی عهد پهلوی دوم با تأکید بر مؤلفه‌های اصلی توسعه ورزش در دنیای مدرن است. نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهند که تمام قوانین ورزشی مصوب در عهد پهلوی دوم، لایحه‌محور بوده‌اند که این روند، با وجود انطباق با اصل تشریفات تقنینی، احتمالاً ناشی از چالش تفکیک قوا و حاکی از حکمرانی مطلقه پهلوی دوم بر نظام قانون‌گذاری است. در ضمن، بسیاری از سیاست‌های تقنینی، احکام، و قوانین موضوعه ورزش درباره توسعه ورزش آموزشی، همگانی و تفریحی، و قهرمانی است و کم‌توجهی به توسعه ورزش حرفه‌ای مشهود است. این عدم توازن در سیاست‌های تقنینی موضوعه ورزش، سبب عقب‌ماندگی صنعت ورزش ایران شده است.

واژگان کلیدی: پهلوی دوم، مجلس شورای ملی، قانون‌گذاری خوب، سیاست‌های تقنینی، قوانین ورزش و تربیت بدنی

### مقدمه

قانون‌گذاری در امور ورزش، به‌عنوان پدیده‌ای اقتصادی-اجتماعی-فرهنگی در فضای سیاسی کشور، امری است که در کنار نهادهای اجرایی و ساختاریافته منسجم امروزی ورزش، نقش‌آفرینی می‌کند. در مورد اهمیت بحث‌های سیاسی-حقوقی عرصه ورزش و تربیت بدنی همین بس که با توسعه روزافزون ورزش، ضمن ایجاد فضای مناسب برای تعامل ورزش با سیاست به‌منظور بهره‌برداری حکومت‌ها از ظرفیت‌های این پدیده چندوجهی، عرصه ورزش به یک صنعت بزرگ، پرمخاطب، و منحصربفرد و به‌تعبیری، نیرومندترین اصطلاح جهانی تبدیل می‌شود که مسائل حقوقی، سیاسی، و ژئوپلیتیک پیچیده‌ای در آن نهفته است (رضوی و نوبختی، ۱۳۹۱: ۲۶؛ شعبانی‌مقدم و فراهانی، ۱۳۹۴: ۱۳۵؛ فاضلی، ۱۳۹۱: ۱۵۱؛ وایز و کوهه، ۲۰۲۰: ۱)؛ بنابراین، بررسی قانون‌گذاری مرتبط با امور ورزش و تربیت بدنی، با توجه به قدمت و اهمیت آن، نه‌تنها از نگاه نظریه دولت قانون با تکیه بر سیاست‌های تقنینی، قابل‌تأمل است، بلکه از دریچه دانش فلسفه قانون‌گذاری نیز موضوعی قابل‌پژوهش به‌شمار می‌آید. اهمیت این موضوع به‌دلیل برگزاری بزرگ‌ترین رویداد ورزشی معاصر کشور (مسابقات آسیایی ۱۹۷۴ تهران) در دوره حکمرانی پهلوی دوم، دوچندان است.

پهلوی دوم و جناح‌های قدرتمند طرفدار آن، با هدف مدرن‌سازی یا غربی کردن جامعه ایران و در قالب برنامه «مدرنیزاسیون»، گسترش ورزش فوتبال را به‌عنوان یکی از ابزارهای دستیابی به این هدف، موردتوجه قرار دادند (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۷). این اتفاق، پس از احیای تمرکززدایی (۱۳۴۲-۱۳۳۹) و هم‌زمان با بازگشت به تمرکزگرایی (۱۳۵۷-۱۳۴۲) در ساختار توزیع فضایی قدرت

داخل ایران رخ داد (قالیباف، ۱۳۹۱: ۷). احتمالاً چنین استفاده ابزاری و هدفمندی از ورزش، در راستای مشروعیت‌بخشی اجتماعی به حکومت، درحالی رخ داد که نخبگان ایرانی پس از انقلاب مشروطه، در نهادینه و محدودسازی نظام سیاسی در چارچوب قانون و تشکیل یک نظام حقوقی-سیاسی مدرن با وجود تلاش‌های زیاد - به‌ندرت موفق شدند (صحرائی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۳). این درحالی است که اداره جوامع سیاسی مدرن، مبتنی بر قوانین و مقرراتی است که به‌گونه‌ای هدفمند و عامدانه، طراحی و تصویب می‌شوند. این قوانین و مقررات، اغلب از اراده یک شخص ناشی نمی‌شوند، بلکه طی فرایندها و تشریفات مشخصی، مانند فرایندهای پارلمانی یا اداری، از طریق شور و رایزنی، تدوین و تصویب می‌شوند (مرکز مالگیری و وکیلان، ۱۳۹۵: ۳۰). قوانین موضوعه ورزش نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

با توجه به اقدامات حکومت پهلوی دوم در راستای مدرن‌سازی جامعه ایرانی از طریق جهت‌دهی به فعالیت‌های اوقات فراغت جامعه (از جمله ورزش) (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۷)، آسیب‌شناسی حقوقی-سیاسی قوانین موضوعه ورزش و تربیت بدنی در مجالس این عهد، در پرتو چارچوب نظری «قانون‌گذاری خوب» و «دولت قانون»، ضروری به‌نظر می‌رسد. گفتنی است، قانون‌گذاری، مانند رویه‌ها و فرایندهای دیگر در حکومت‌ها، نیازمند ارتقا و بهبود مستمر است و تحلیل روندها و رویه‌های نظام قانون‌گذاری، در قالب بررسی سیاست‌های تقنینی، از اولویت‌های اصلی در راستای بهبود نظام قانون‌گذاری است؛ بنابراین، پرسش‌های این پژوهش عبارتند از: ۱. آیا قوانین موضوعه ورزش در مجالس عهد پهلوی دوم، منطبق بر اصول تشریفاتی قانون‌گذاری خوب هستند؟ ۲. روند و جهت‌گیری سیاست‌های تقنینی دولت، با تأکید بر مؤلفه‌های اصلی توسعه ورزش در دنیای مدرن (ورزش آموزشی، همگانی، قهرمانی، و حرفه‌ای) در عهد پهلوی دوم چگونه است؟

### ۱. چارچوب نظری پژوهش

قوانین موضوعه در شرایط اجتماعی-سیاسی مختلف، موضع یا جایگاه دولت و فضای جامعه سیاسی را بازنمایی می‌کنند؛ ابتدا در مرحله قانون‌گذاری، هر قانونی

در زمان وضع شدنش، بخش عمده‌ای از شرایط اجتماعی-سیاسی زمان و نیت‌ها و افکار سیاستمداران و قانون‌گذاران را بازنمایی می‌کند. دوم، در مرحله اصلاحات و تغییرات، زمانی که قانون، چندی پس از وضع شدنش، دوباره تغییر داده می‌شود (کم و زیاد، یا متروکه می‌شود)، باز هم این تغییرات، بخشی از شرایط اجتماعی-سیاسی زمان و همچنین، نیت‌ها و افکار نخبگان سیاسی حاکم و قانون‌گذاران را بازتاب می‌دهند. سوم، در مرحله اجرایی شدن در نظام‌های بوروکراتیک و قضایی، زمانی که برنامه‌ها و فعالیت‌های عمومی جامعه براساس امر و نهی‌های قوانین تنظیم می‌شوند، به عبارتی سعی می‌شود که اعمال قدرت و قضاوت، برحسب قوانین باشد، تفسیر و اجرای قانون اهمیت می‌یابد. در این مرحله نیز بخش چشمگیری از شرایط اجتماعی-سیاسی و افکار و نیت‌های حکام، سیاستمداران، بوروکرات‌ها، و قضات بازنمایی می‌شود (حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۹ و ۱۳۰).

قوانین موضوعه مرتبط با ورزش و تربیت بدنی، در انواع سازمان‌های اجتماعی ورزشی قابل‌تأمل هستند. این سازمان‌های اجتماعی عبارتند از: ورزش آموزشی، ورزش همگانی و تفریحی، ورزش قهرمانی، ورزش حرفه‌ای، ورزش نهادها، ورزش بانوان، ورزش معلولان، و ورزش بومی-محلی (سند راهبردی نظام جامع توسعه مدیریت تربیت بدنی، ۱۳۸۲) و برهمن اساس، رویکردهای توسعه ورزش ملی عبارتند از:

۱. ورزش مبتنی بر جامعه<sup>۱</sup>: در این رویکرد، تأکید شده است که جامعه به ورزش روی آورد. رواج ورزش در جامعه، دستاوردهای چندمنظوره‌ای دارد که افزایش نشاط و سلامت جسم و روان از آن جمله است. این شیوه در کشورهای اروپای شمالی و نیز در آمریکای شمالی رواج داشته است. با رواج ورزش در جامعه، زمینه پرورش و شناسایی استعدادها فراهم می‌شود.

۲. ورزش مبتنی بر نخبگان<sup>۲</sup>: در این رویکرد، تلاش بر این بوده است که بر توسعه و ارتقای ورزش برگزیدگان و نخبگان تأکید شود. در واقع، توسعه ورزش قهرمانی، محوریت ویژه‌ای داشته است. البته در این میان، به رواج ورزش در جامعه

1. Community- Based
2. Elite- Based

نیز توجه می‌شده است. در برخی منابع، ورزش در بلوک شرق سابق را از این دسته برشمرده‌اند.

۳. توسعه ورزش به‌مثابه صنعت<sup>۱</sup>: پس از دهه ۱۹۵۰، بهره‌گیری ورزش از رسانه‌های جمعی (به‌ویژه تلویزیون) سبب اقبال بی‌سابقه جامعه از ورزش شد؛ در نتیجه، ورزش به‌عنوان کسب‌وکار بخشی از جامعه رواج یافت. کسب‌وکار ورزشی نیازمند مجموعه‌ای از زیرساخت‌های سازمانی، حقوقی، و اجرایی بود. در برخی جوامع، این زیرساخت‌ها فراهم شدند و ورزش به یک صنعت تبدیل شد؛ از این رو، سهم ورزش در برخی کشورها به حدود ۲ تا ۳ درصد تولید ناخالص ملی رسید. این دستاوردها سبب شد که برخی کشورها به توسعه ورزش از منظر توسعه یک صنعت بنگرند و از آن به‌عنوان وسیله‌ای برای رونق اقتصادی بهره‌گیرند.

۴. توسعه ورزش به‌مثابه ابزار تربیت عامه<sup>۲</sup>: اقبال گسترده همگان از ورزش در جوامع پیشرفته صنعتی، سبب شده است که ورزش به‌مثابه ابزاری برای تربیت عامه بسیار پرطرفدار باشد؛ برای نمونه، اتحادیه اروپایی بر چنین رویکردی تأکید ویژه‌ای دارد. در آمریکای شمالی نیز ورزش را «دین جامعه مدنی» معاصر به‌شمار آورده‌اند. چنین پنداری، نشان‌دهنده اهمیت جایگاه تربیتی و آموزشی ورزش در جامعه است (احسانی، ۱۳۸۲: ۱۱۲). *اخولم و لیندستروم*<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «بسیج جوانان غیرشرکت‌کننده: استفاده از ورزش و فرهنگ در سیاست‌های حکومت محلی برای هدف قرار دادن محرومیت‌های اجتماعی»<sup>۴</sup>، ورزش و فرهنگ را هم‌سنگ یکدیگر برای هدف قرار دادن و رفع محرومیت‌های اجتماعی در سیاست‌های حکومت محلی در نظر گرفته‌اند که از اهمیت ورزش تربیتی یا آموزشی در شرایط و فضای اجتماعی-سیاسی جوامع مدرن حکایت دارد.

رویکردهای چهارگانه یادشده به ورزش، در مدل مول و همکاران به چهار

1. Industry
2. Business
3. Ekholm and Lindstrom
4. Mobilising Non-Participant Youth: Using Sport and Culture in Local Government Policy to Target Social Exclusion

سطح ورزش آموزشی؛ ورزش‌های همگانی و تفریحی؛ ورزش قهرمانی؛ و ورزش‌ها حرفه‌ای تقسیم می‌شوند. از زمان ایجاد مؤسسه‌های آموزشی، ورزش آموزشی در جوامع وجود داشته است. در این سطح، مهارت‌های ورزشی، راهبردها، و علم ورزش، در چارچوب یک شیوه‌استاندارد، برنامه‌ریزی شده و توسط آموزش‌دهندگان حرفه‌ای طی دوره‌های رسمی مدارس و دانشگاه‌ها تدریس می‌شوند. اگرچه ورزش‌های تفریحی و برنامه‌های اوقات فراغت به گونه‌ای سراسری در جوامع اجرا می‌شوند، ولی به‌اندازه ابعاد دیگر سطوح مدل مدیریتی به آن توجه نمی‌شود. علاقه ذاتی افراد به ورزش‌های تفریحی همگانی سبب شده است که این دسته از ورزش‌ها به گونه‌ای چشمگیر مورد توجه داوطلبان ورزشی باشد. ورزش‌های تفریحی و همگانی که دربردارنده فعالیت‌هایی در راستای افزایش آمادگی جسمانی و لذت بردن و تفریح است، به پنج سطح ورزش آموزشی، ورزش غیررسمی، ورزش‌های درون‌بخشی، ورزش‌های برون‌بخشی، و ورزش‌های باشگاهی تقسیم می‌شود. هریک از این سطوح، یک نوع توانایی، مسئولیت، و اصول کار را برای شرکت‌کنندگان در آن نشان می‌دهد.

براساس پیشینه موجود، محبوب‌ترین شکل ورزش در جوامع، ورزش قهرمانی است که در سطح سوم مدل مول و همکاران قرار گرفته است. این سطح از ورزش که بر رقابت، پیروزی، و حس اتحاد بین افراد از طریق مشارکت و تماشاگری تأکید دارد—از جذابیت فراوانی برخوردار است (مول و همکاران، ۲۰۰۵). ورزشکاران نخبه از دل رقابت‌های ورزشی ظهور می‌کنند و کارشان، رابطه تنگاتنگی با اجرای مهارت‌های پیچیده ورزشی دارد. درواقع، موضوع اساسی در ورزش قهرمانی، پرورش افراد نخبه و توسعه عملکرد آن‌ها در راستای برآورده کردن خواسته‌ها و نیازها به‌منظور پیروزی در رویدادهای ورزشی است (ایندفلت، ۲۰۱۰: ۱۸۷). درنهایت، حاصل طبیعی «ورزش قهرمانی»، سطحی از ورزش است که با عنوان «ورزش حرفه‌ای» شناخته می‌شود و در رأس هرم قرار می‌گیرد. در ورزش حرفه‌ای، افراد نخبه در یک سطح بالا رقابت می‌کنند و جریان بازاریابی، کسب منابع مالی، و مدیریت قوی نیز از ویژگی‌های دیگر آن به‌شمار می‌آیند. جانمایی ورزش حرفه‌ای در صدر مدل مول، به‌این‌معنا است که ورزش حرفه‌ای،

کمترین شرکت‌کننده و البته بیشترین هوادار را به خود اختصاص می‌دهد و به ترتیب، ورزش قهرمانی، ورزش همگانی و تفریحی، و ورزش آموزشی در سطوح پایین‌تر هرم قرار می‌گیرند. به عبارت روشن‌تر، ورزش آموزشی با بیشترین شرکت‌کننده و کمترین تماشاگر در کف این هرم قرار می‌گیرد (مول و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۱۲).

امروزه امور دنیای مدرن بر مدار قوانین می‌چرخد (از جمله قوانین موضوعه ورزش). حکمرانی بر اساس قانون، مقبولیت می‌یابد و از این طریق امکان‌پذیر می‌شود. این درحالی است که توسل پیاپی به قانون‌گذاری و تورم قانون، سبب بروز آسیب‌های جدی‌ای شده است. فراوانی توسل به قانون‌گذاری و قدرت، و نفوذ و تأثیرگذاری قوانین باعث شده است که کاستی‌های قانون، بازتاب قابل توجهی در امر حکمرانی داشته باشد. این امر، اندیشمندان را بر آن داشته است که این پدیده بدیع را در چارچوب دانش مستقلی به نام «فلسفه قانون‌گذاری» بررسی و تبیین کنند. هدف اصلی این دانش، بهبود سطح کیفیت قوانین و قصد نهایی آن، بهبود سطح حکمرانی خوب است.

مسئله قانون‌گذاری خوب<sup>۱</sup>، به عنوان مسئله‌ای پراهمیت در نظریه‌های فلسفی حقوقی مطرح شده است. به این سبب که «باید» و «نباید»، قلب یک نظام حقوقی به شمار می‌آید، اندیشمندان و نظریه‌پردازان حقوقی، بخشی از آثار خود را به این مهم اختصاص داده‌اند که چگونه باید «قانون‌گذاری» کرد تا هدف موردنظر قانون‌گذار حاصل شود. گفتنی است، بر اساس رویه‌های «قانون‌گذاری خوب»، قانون‌گذاری، فرایندی است که اگرچه در حوزه صلاحیت قوه مقننه قرار می‌گیرد، اما مستلزم همکاری قوای دیگر، به ویژه قوه مجریه، است و بر اساس معیارهای قانون‌گذاری خوب، مصوبات پارلمان باید به لوایح قوه مجریه متکی باشند (عبداله‌زاده شهربابکی، ۱۳۹۵: ۱۷۷) یا به عبارت روشن‌تر، حاصل سیاست‌های تقنینی دولت باشند. این روند، چارچوبی از یک نظام ایدئال را نشان می‌دهد؛ بنابراین، در پرتو چارچوب نظری «قانون‌گذاری خوب»، می‌توان درک بهتری از



نظام قانون‌گذاری در امور مربوط به ورزش و تربیت بدنی (قوانین و احکام مربوط به ورزش در عهد پهلوی دوم) به‌دست آورد. گفتنی است، در طول تاریخ اندیشه‌ورزی، مجموعه‌ای از اصول و قواعد دربارهٔ قانون و قانون‌گذاری مطرح شده‌اند که سنجه‌ای برای قانون‌گذاری خوب به‌شمار آمده و به ملاکی برای تمییز و تشخیص قانون‌گذاری و قانون «اصولی» از «غیراصولی» تبدیل شده‌اند (مرکز مالگیری و عطار، ۱۳۹۷: ۲۱۴).

به‌نظر بسیاری از خبرگان، اصول قانون‌گذاری در پرتو نظریهٔ «حاکمیت قانون»<sup>۱</sup> صورت‌بندی و تبیین شده‌اند (مرکز مالگیری و عطار، ۱۳۹۷: ۲۱۴). گفتنی است که حاکمیت قانون از شاخص‌هایی است که حکمرانی خوب بر آن تأکید دارد (آزموده و حاجی‌یوسفی، ۱۳۹۸: ۴۱). به‌طور عام، این اصول، متناظر با کیفیت قانونی است که باید در خدمت شهروندان، تأمین امنیت، و تضمین حقوق آن‌ها باشد (مرکز مالگیری و مهدی‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۸)؛ یکی از این صاحب‌نظران، جرمی والدرون<sup>۲</sup> است که اصول قانون‌گذاری را از جنبه‌های ماهوی، شکلی، و تشریفاتی بررسی کرده است. به‌نظر او، در کنار دو نوع اصول ماهوی (مانند اصول صورت‌بندی‌شده رالز و بتنام<sup>۳</sup> در مورد هدف قانون) و اصول شکلی (اصول مربوط به شکل قانون)، اصول «تشریفاتی» قابل‌شناسایی هستند که به نهادها و فرایندهای قانون‌گذاری مربوط می‌شوند. اصول «تشریفاتی» عبارتند از: ۱) اصل قانون‌گذاری صریح؛ ۲) اصل تکلیف محتاط بودن قانون‌گذار هنگام تقنین (به‌سبب اهمیت ماهوی قانون و جلوگیری از خدشه وارد شدن به منافع و آزادی‌ها)؛ ۳) اصل تضارب آرا؛ ۴) اصل نمایندگی؛ ۵) اصل احترام به عدم توافق؛ ۶) اصل تشریفات تقنینی؛ و ۷) اصل برابری سیاسی و اهمیت روش‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر آن (راسخ و مرکز مالگیری، ۱۳۹۱: ۵۷ و ۵۸). در بین اصول یادشده، اصل ششم، یعنی تشریفات تقنینی، برای قانون‌گذاری در امور ورزش و تربیت بدنی موردنظر است. براساس رویه‌های قانون‌گذاری خوب در اصل حاکمیت قانون، قانون‌گذاری، فرایندی است

1. Rule of Law
2. Jeremy Waldron
3. Bentham and Rawls

که اگرچه در حوزه صلاحیت قوه مقننه قرار می‌گیرد، اما مستلزم همکاری قوای دیگر، به‌ویژه قوه مجریه است و براساس معیارهای قانون‌گذاری خوب، مصوبات مجلس باید به لوایح قوه مجریه متکی باشند (مرکز مالیری و عطار، ۱۳۹۷: ۲۱۳).

افزون‌براین، دولت قانون، شکلی از دولت مدرن است که بر اثر تحولات عقلانی، کنشی، ساختار، و گفتمانی جدید به‌وجود آمده است. این تحولات در جوامع و در بین ملت‌های مختلف، به‌صورت تدریجی و بیشتر در پی وقایع مهمی چون جنگ، انقلاب، اصلاحات، و توسعه به‌وجود آمده‌اند. درواقع، همه جوامع و ملت‌ها، کم‌وبیش دارای دولت قانون هستند؛ به‌عبارت روشن‌تر، قانون اساسی، پارلمان، و بوروکراسی اداری قضایی دارند و تاحدودی به سنت تفکیک قوا عمل کرده‌اند، ولی آنچه اهمیت دارد، کیفیت و نوع دولت قانون است. سیاست‌های تقنینی، سیاست‌های بوروکراتیک، و سیاست‌های قضایی، سه بعد نظریه دولت قانون را تشکیل می‌دهند که شرایط معرفتی و مادی جامعه را بازنمایی می‌کنند. درواقع، این ابعاد سه‌گانه، بازتابی از اجزای سه‌گانه دولت در نظریه کلاسیک تفکیک قوا هستند که در آن، دولت به سه قوه مقننه، مجریه، و قضائیه تفکیک می‌شود.

سیاست‌های تقنینی، مجموعه شرایطی است که بر اثر ترکیب الگوهای کنش، نهادها، و فضاها، گفتمانی شکل می‌گیرد و امر قانون‌گذاری را متعین می‌کند و ویژگی‌های فکری، اجتماعی، طبقاتی، صنفی، و شرایط حاکم بر نهاد پارلمان و نیز همه شرایط و جریان‌های سیاسی حاکم بر وضع قانون را دربر می‌گیرند. سیاست‌های بوروکراتیک، دربردارنده همه شرایط و مؤلفه‌های تنظیم‌کننده و دگرگون‌کننده بوروکراسی و نظام اداری اعم از نظام‌های مدیریتی، اجرایی، و نظارتی هستند. سیاست‌های قضایی، مجموعه شرایط حاکم بر نظام قضایی و رویه‌های قضایی از قبیل عوامل و شرایط حاکم بر تفسیر قانون تا تطبیق آن با موارد خاص، اعم از مدنی، جزایی، عمومی، و خصوصی است.

موضوع مهم دیگر در نظریه دولت قانون، مسئله دیالکتیک قدرت قانون است که از کلیدی‌ترین مسائل در جامعه‌شناسی سیاسی دنیای مدرن است، زیرا نخبگان سیاسی و بوروکرات‌ها از یک سو کم‌وبیش در تارهای قانون و ساختارها گرفتارند و از سوی دیگر، پیوسته در مراحل مختلف می‌کوشند به شکل‌های بدیع و مبتکرانه‌ای

از آن‌ها فراتر بروند. گاهی نیز کنشگران سیاسی، به شیوه‌های بسیار ناآرام و سختی خواهان تحول هستند و اشتیاق فراوانی دارند که محیط خویش را از نو سامان دهند و نظم تازه‌ای بیافرینند؛ از این‌رو، نمی‌تواند برای زمانی طولانی با قانون هم‌نوایی کنند و به این نتیجه می‌رسند که از موانع قانونی گذر کنند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت، مفهوم «دولت قانون»، مناسبات قدرت و قانون را در بستر اجتماعی و سیاسی توضیح می‌دهد و مسئله دیالکتیک قدرت-قانون را نیز مطرح می‌کند؛ از این‌رو، «دولت قانون»، نظریه‌ای در جامعه‌شناسی سیاسی و جامعه‌شناسی دولت به‌شمار می‌آید، زیرا در این نظریه از یک سو، موضوع عقلانیت سیاسی، ساختارها، نهادها، الگوهای کنش، و گفتمان‌هایی که مناسبات دولت و قانون را تنظیم یا دگرگون می‌کنند، بررسی می‌شود، و از سوی دیگر، مسئله مهم دیالکتیک قدرت-قانون که در جوامع امروزی مسئله‌ای حیاتی است — تحلیل می‌شود؛ این مسائل و موضوعات، تابعی از روش‌ها و بینش‌های جامعه‌شناختی است (حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۱-۱۲۰).

دولت قانون در دنیای مدرن، به شکل‌های گوناگون و صورت‌های متفاوتی ظهور کرد که می‌توان آن‌ها را به سه نوع جداگانه تقسیم کرد: (۱) دولت قانون عقلانی-تکثرگرا؛ (۲) دولت قانون سنتی-انتقالی؛ (۳) دولت قانون ایدئولوژیک-اخلاقی. بیان این نکته نیز ضروری است که این سه نوع دولت قانون به‌طور خالص و ناب در جوامع دیده نمی‌شوند و معمولاً تلفیقی از مؤلفه‌های آن‌ها در شرایط گوناگون ظهور کرده است، ولی این سه نوع، می‌توانند شناخت و توضیح دولت قانون را در وضعیت‌های گوناگون، روشن‌تر کنند.

دولت قانون عقلانی-تکثرگرا: برخی جوامع اروپایی از قرن ۱۷ افزون‌بر تحولات معرفتی و اجتماعی، ایده‌ی قانون را بسط دادند و به‌تدریج با «انقلاب‌های مشروطه» به مهار دولت‌های مطلقه روی آوردند. انگلستان، ایالت‌های کشور نوظهور امریکا، و فرانسه، مراحل آغازین دولت قانون و آزادی‌خواهی سیاسی و مدنی را تجربه کردند و در تحولات بعدی به دموکراسی و تکثرگرایی روی آوردند (فوکویاما، ۲۰۱۱، به‌نقل از: حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۲).

دولت قانون سنتی-انتقالی: در جهان معاصر، اصلاحات، یادگیری، و اقتباس از

تجدد، اشاعه یافت و تجربه جوامع غربی و اجبارهای نظم بین‌المللی، اغلب کشورهای را که از پیش تجربه‌ای از قانون نداشتند، به اقتباس و تدوین قانون اساسی و مشروطیت وادار کرد. جوامعی که از حال‌وهوای قدیم رها نشده بودند و دارای نظام سیاسی سلطانی، موروثی، و قومی بودند، به مشروطیت و قانون‌گذاری روی آوردند (حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). بسیاری از کشورهای مسلمان آفریقایی و عربی، که در عمل انقلاب مشروطه را تجربه نکرده بودند، ساختارهای رسمی قانونی ایجاد کردند و شکلی از دولت مدرن را پدید آوردند (لمبتون<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱، به نقل از: حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). قانون در چنین جوامعی، بازتاب و بازتولیدی از هنجارهای سنتی و قومی است که نه تنها محتوای عقلانی قانون را ندارد، حتی معارض آن است (گلنر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۱، به نقل از: حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۳)؛ بنابراین، دولت قانون، معنی و صورت خاصی پیدا می‌کند و مناسبات قانون و قدرت نیز سیال و لرزان می‌شود.

دولت قانون ایدئولوژیک-اخلاقی: مناسبات دولت و قانون در جوامع و در دوره‌های گوناگون، شکل‌های متفاوتی را تجربه کرده است. ایدئولوژی، اسطوره‌ها، و نظام‌های اخلاقی و اعتقادی جوامع، همواره از عوامل مهمی بوده‌اند که در تعریف قدرت و قانون و مناسبات آن‌ها تأثیر جدی‌ای دارند (آرنت، ۱۳۶۶، ۷۴؛ کاسیرر، ۱۳۸۲: ۴۲۰، به نقل از: حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). در چنین نظام‌هایی، نیروی اخلاق و جهان‌بینی، اعم از اینکه از باوری ملی (ناسیونالیستی)، سوسیالیستی، یا از یک عقیده سنتی و باور مذهبی الهام گرفته باشد، بر برداشت از قدرت، قانون، و دولت، و بازسازی اشکال نظام‌های سیاسی، تأثیر چشمگیری دارد. انقلاب‌ها نیز در تقویت فضاهاى ایدئولوژیک و اخلاقی، تأثیر زیادی داشته‌اند؛ از این‌رو، در فضای ایدئولوژیک و اخلاق سیاسی، قانون به گونه‌ای خاص فهمیده می‌شود، زیرا ایدئولوژی و اخلاق، معرفت ویژه‌ای هستند که ذهن کنشگران را به گونه‌ای خاص تنظیم می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۳۳، به نقل از: حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۳). در چنین شرایطی، قانون، اصلی اخلاقی و ایدئولوژیک به شمار می‌آید و به ابزاری

1. Lambton
2. Gellner

در خدمت ایدئولوژی تبدیل می‌شود. دولت نیز به‌عنوان ثمره یا پیش‌برنده آرزوهای ایدئولوژیک شناخته می‌شود. در این حالت، قانون و دولت آشکارا، جانبدارانه، و یکسونگرانه عمل می‌کنند؛ از این رو، عقلانیت، بی‌طرفی، و عام‌گرایی قانون به‌نفع اخلاق و ایدئولوژی کنار زده می‌شوند و همه‌چیز در خدمت اخلاق سیاسی و ایدئولوژی قرار می‌گیرد (حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۴).

تفکیک سه‌گانه ارائه‌شده از دولت قانون، شباهت زیادی با نوع‌های وبری دارد. وبر در تفکیک انواع سلطه و اقتدار، سه نوع عقلانی، سنتی، و کاریزماتیک را از هم تفکیک کرده است (وبر، ۱۳۸۴: ۱۱۰، به نقل از: حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۴). دولت قانون ایدئولوژیک-اخلاقی می‌تواند با سلطه کاریزمایی متناظر باشد و سلطه عقلانی نیز با دولت قانون عقلانی-تکثرگرا متناظر است، ولی سلطه سنتی با دولت قانون سنتی-انتقالی تفاوت‌های جزئی‌ای دارد، زیرا در بحث ما، دولت قانون سنتی-انتقالی به‌گونه‌ای دگرگون‌شونده و در حال صیورورت است، یعنی در سنت متوقف نیست؛ این دگرگونی و صیورورت موجب می‌شود که نظم سیاسی و مناسبات قدرت و قانون نیز سیال و فرار باشند. افزون‌براین، وبر، دولت مدرن را به‌عنوان دولت عقلانی-قانونی می‌شناخت، در حالی که دولت‌های مدرن، اگر هم قانونی باشند، در عمل، عقلانی نیستند، یعنی عقل مدرن را به‌طور کامل بازنمایی نمی‌کنند؛ بنابراین، در تاریخ بسیاری از جوامع معاصر، در عمل، میان قانونیت و عقلانیت، فاصله افتاده است. در چنین شرایطی، سرنوشت دولت، سیاست، قدرت، و قانون، به‌گونه‌ای خاص رقم می‌خورد و اتفاقاً در این فضا، دیالکتیک قدرت-قانون - که مسئله مهم زمانه ماست - بیشتر رخ می‌نماید (حاضری و محمدی، ۱۳۹۲: ۱۲۱).

## ۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های گوناگونی درباره قانون‌گذاری، تحلیل قوانین، و آسیب‌شناسی قانون‌گذاری انجام شده است که از سه دیدگاه قابل تأمل هستند. در دیدگاه نخست، مرکز مالگیری و عطار (۱۳۹۷) با آسیب‌شناسی قانون‌گذاری در ایران از منظر رویه ابتکار قانون‌گذاری، نشان داده‌اند که قانون‌گذاری مجلس شورای اسلامی در دوره‌های هفتم تا نهم، به‌سوی «طرح بنیان» حرکت کرده است که این روند موجب

تضعیف قانون‌گذاری خوب شده است.

نتایج پژوهش مرکز‌المیری و مهدی‌زاده (۱۳۹۴) با عنوان «قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، نیز حاکی از عدم تحقق بایسته حاکمیت قانون و تورم قانون، به‌عنوان پیامدهای ادامه‌رویه فعلی قانون‌گذاری ایران است.

حاضری و محمدی (۱۳۹۲) در پژوهش خود، به بحث و بررسی در مورد قوانین موضوعه مطبوعات پرداخته و بیان کرده‌اند که تغییرات تقنینی قانون مطبوعات، به‌مثابه نمایه‌ها و نشانه‌هایی هستند که نوع جهت‌گیری و پیامدهای سیاست‌های تقنینی را نشان می‌دهند و حالت‌های گوناگون دولت قانون را بازنمایی می‌کنند.

افزون بر موارد یادشده، پژوهش‌های فراوانی، قوانین را در امور مرتبط با ورزش تحلیل و بررسی کرده‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره کرده‌ایم.

علی‌دوست و همکاران، با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴، موانع توسعه تعاونی‌ها در ورزش حرفه‌ای (۱۳۹۰)، موانع فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی توسعه ورزش حرفه‌ای (۱۳۹۲)، و موانع قانونی مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در فوتبال حرفه‌ای ایران (۱۳۹۸) را تحلیل کرده‌اند.

در میان مطالعات خارجی نیز وسیلنا (۲۰۱۰) در پژوهش خود، الگوی ورزش کشور بلغارستان را بررسی کرده است. براساس نتایج این پژوهش، قوانین دولتی، تعیین‌کننده فعالیت‌های ورزشی این کشور، سلامت عمومی، جنبه‌های حقوقی ورزش، حقوق و روابط بین ورزشکاران، مسئولیت‌های ورزشکاران، و منابع مالی هستند.

دسته سوم از پژوهش‌های موردنظر ما، تحقیقات تاریخی انجام‌شده درباره عهد پهلوی دوم هستند. علی‌صوفی و همکاران (۱۳۹۸) به چالش‌های تفکیک قوا در عهد پهلوی دوم پرداخته‌اند و با رویکرد توصیفی-تحلیلی، در پی یافتن عوامل بروز چالش در تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی بوده‌اند.

نتایج پژوهش باقری و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم» نشان می‌دهد که گسترش ورزش فوتبال در این دوران، بیش از آنکه محصول ویژگی‌های

خاص این ورزش باشد، نتیجه راهبردهای حاکمیت وقت و جناح‌های قدرتمند طرفدار آن در راستای مدرن‌سازی یا غربی کردن جامعه ایران است که در قالب برنامه مدرنیزاسیون اجرایی شد. موارد یادشده، نشان‌دهنده اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر است.

### ۳. روش پژوهش

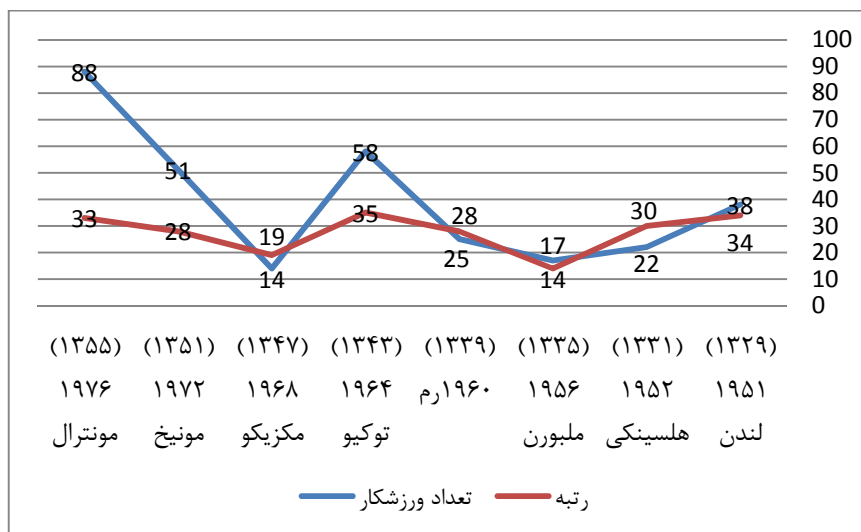
پارادایم این پژوهش انتقادی است که با رویکردی کیفی به تحلیل محتوای قوانین هدف می‌پردازد. جامعه آماری پژوهش نیز تمام قوانین وضع شده توسط مجالس عهد پهلوی دوم در حوزه ورزش و تربیت بدنی، از دوره سیزدهم تا بیست و چهارم (سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷) هستند. به منظور استخراج قوانین و احکام مرتبط با ورزش، از روش اسنادی استفاده شده است. در این راستا، قوانین و مشروح مذاکرات صحن علنی مجلس (گنجانده شده در سایت مجلس شورای اسلامی، سایت کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، و سامانه قوانین سایت معاونت قوانین ریاست جمهوری) بررسی شدند. اسناد گردآوری شده در زمره اسناد الکترونیک هستند که از منابع دست اول در مطالعات تاریخی و روش اسنادی به‌شمار می‌آیند. ابتدا روند تشریفات تقنینی (لایحه‌محور و طرح‌محور) براساس اصول تشریفاتی قانون‌گذاری خوب، با توصیف و تبیین داده‌ها، و مشاهده عینی مشروح مذاکرات صحن علنی مجلس و توجیه اطلاعات، تحلیل و واکاوی شد. سپس، محتوای این قوانین، با تأکید بر چهار مؤلفه ورزش آموزشی، همگانی و تفریحی، قهرمانی، و حرفه‌ای تحلیل، و نتایج به‌دست آمده پس از دستیابی به اشباع نظری در این باره و همچنین، درباره روند تشریفات قانون‌گذاری، در قالب جدول ارائه شدند. در نهایت، یافته‌ها در فرایند مقایسه سیاست‌های تقنینی موضوعه ورزش در نظریه دولت قانون، با رویکردهای چهارگانه توسعه ورزش، تحلیل و تبیین شدند.

### ۴. وقایع و رخداد‌های ورزشی قابل توجه عهد پهلوی دوم

بازی‌های المپیک مدرن، به‌طور رسمی از سال ۱۸۹۶ (۱۲۷۵) در آتن آغاز شدند. نخستین حضور ایران در این بازی‌ها (به‌عنوان بزرگ‌ترین رویداد ورزشی

بین‌المللی) یک سال پس از تأسیس کمیته ملی المپیک ایران و عضویت در کمیته بین‌المللی المپیک (۱۹۴۷) و در چهاردهمین دوره بازی‌های المپیک ۱۹۴۸ لندن (۱۳۲۷) بود (سایت کمیته ملی المپیک). وقایع و رخداد‌های مهم بازی‌های المپیک در عهد پهلوی دوم، در جدول شماره (۱) بازتاب یافته‌اند. براساس داده‌های جدول، حضور ورزشکاران ایرانی در المپیک، بیانگر این است که تیم‌های ورزشی ایران در المپیک توکیو که در سال ۱۳۴۳ برگزار شد، بیشترین مشارکت را داشته‌اند، اما غرورآفرین‌ترین حضور، به بازی‌های ۱۹۵۲ ملبورن (۱۳۳۵) با کمترین تعداد ورزشکار شرکت‌کننده نسبت به دوره‌های دیگر مربوط می‌شود که ایران با ۱۷ ورزشکار و درخشش کشتی‌گیران، رتبه ۱۴ را کسب کرد. سیمای رتبه و تعداد ورزشکاران ایرانی شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک در سال‌های موردبررسی، در نمودار شماره (۱) قابل مشاهده است.

نمودار شماره (۱). سیمای رتبه و تعداد ورزشکاران ایرانی شرکت‌کننده در المپیک





جدول شماره (۱). دستاوردهای کاروان ورزشی ایران در بازی‌های المپیک مدرن عهد پهلوی دوم

رتبه	رشته (تعداد مدال)			تعداد کل مدال‌ها			رشته‌ها (تعداد)	تعداد کل ورزشکاران ایران	سال به شمسی	دوره سال میزبان
	مجموع	برنز	نقره	طلا	برنز	نقره				
۳۱	۱	۰	۰	۱	۱	۱	وزنه‌برداری (۵)، کشتی آزاد (۸)، مشت‌زنی (۹)، بسکتبال (۱۲)، تیراندازی (۳) و ژیمناستیک (۱)	۳۸ تن	۱۳۲۹	اولین ۱۹۵۱ لندن
۲۰	۷	۰	۰	۴	۲	۱	کشتی آزاد (۸)، وزنه‌برداری (۷)، مشت‌زنی (۶)، دوومیدانی (۱)	۳۲ تن	تیر ۱۳۳۱	پانزدهم ۱۹۵۲ هلسینکی
۱۱	۵	۰	۰	۱	۲	۲	کشتی آزاد (۸) وزنه‌برداری (۷) دوومیدانی (۲)	۱۷ تن	۱۳۳۵	شانزدهم ۱۹۵۶ ملبورن
۷۱	۴	۰	۰	۲	۱	۱	مشت‌زنی (۴) دوومیدانی (۱) کشتی آزاد (۸) کشتی فرنگی (۴) وزنه‌برداری (۷) تیراندازی (۱)	۳۵ تن	۱۳۳۹	هفدهم ۱۹۶۰ رم
۲۵	۲	۰	۰	۰	۲	۰	دوومیدانی (۸) دوچرخه‌سواری (۴) مشت‌زنی (۱) شنا (۱) شیرجه (۱) ژیمناستیک (۲) فوتبال (۱۸) تیراندازی (۴) کشتی آزاد (۷) کشتی فرنگی (۵) شمشیربازی (۴)	۵۸ تن (اولین حضور ۴ بانو ایرانی در بازی‌ها)	۱۳۴۳	هجدهم ۱۹۶۴ توکیو
۱۶	۵	۰	۰	۲	۱	۲	دوومیدانی (۱) وزنه‌برداری (۴) کشتی آزاد (۸) کشتی فرنگی (۱)	۱۴ تن (عدم اعزام بانوان به‌دلیل عملکرد ضعیف دوره قبل)	۱۳۴۷	۱۹۶۸ مکزیکو

۱۹۷۲	مونینگ	۱۳۵۱	۵۱ تن (عدم اعزام بانوان)	کشتی آزاد (۱۰) مشت زنی (۵) فوتبال (۱۹) کشتی فرنگی (۵) دوچرخه سواری (۴) وزنه برداری (۳) دوومیدانی (۳) شمشیربازی (۲)	۱	۲	کشتی ف (۱) وزنه برداری (۱) کشتی آ (۱)	۲	۷۸
۱۹۷۶	مونترال	۱۳۵۵	۸۸ تن (تیم شمشیر بازی بانوان)	فوتبال (۱۹) تیراندازی (۴) شمشیربازی (۱۳) مشت زنی (۶) دوچرخه سواری (۷) وزنه برداری (۷) واترپلو (۱۱) دوومیدانی (۴) کشتی آزاد (۱۰) کشتی فرنگی (۷)	۱	۱	کشتی آ (۱) وزنه برداری (۱)	۲	۳۳

منبع: [www.olympic.ir](http://www.olympic.ir)

افزون بر مسابقات المپیک جهانی، مسابقات آسیایی نیز در ورزش ایران از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. ورزشکاران ایران به جز دوره های دوم و چهارم — حضور پرفروغی در این بازی ها داشته اند. نتایج به دست آمده در این بازی ها در جدول شماره (۲) ارائه شده است. گفتنی است، طرح برگزاری بازی های آسیایی با عنوان «المپیک آسیایی» در حاشیه چهاردهمین دوره بازی های المپیک مطرح شد و مورد توافق قرار گرفت. براساس برنامه، قرار بود نخستین دوره این بازی ها در سال ۱۹۵۰ در هندوستان برگزار شود، اما با یک سال تأخیر، در سال ۱۹۵۱ با شرکت یازده کشور آسیایی برگزار شد. ایران، تنها کشور خاورمیانه ای بود که در این مسابقات شرکت کرد. در این بازی ها ژاپن اول، هندوستان دوم، و ایران سوم شد.

بازی های ۱۹۵۴ فیلیپین (۱۳۳۳) تقریباً مصادف با ماجراهای کودتای ۲۸ مرداد بود؛ در نتیجه، کاروان ورزشی ایران، در حالی در مسابقات شرکت نداشت که مقامات رسمی ایران در فیلیپین حضور یافتند. در بازی های ۱۹۵۸ توکیو (سومین دوره) برای نخستین بار چهار بانوی ورزشکار ایرانی در رشته های دوومیدانی و تنیس روی میز شرکت کردند، اما عنوانی به دست نیاوردند؛ این نخستین حضور بانوان ورزشکار در رویدادهای ورزشی برون مرزی و به عبارت دقیق تر، منطقه ای بود.

گفتنی است، نخستین حضور بانوان ایرانی در عرصه رویدادهای بین‌المللی در هجدهمین دوره بازی‌های المپیک توکیو ۱۹۶۴ (۱۳۴۳) رقم خورد.

ایران برای نخستین بار در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳) میزبان بازی‌ها بود و با ۴۰۰ ورزشکار در نهایت، با کسب مجموع ۸۱ مدال، پس از ژاپن، در رده دوم قاره پهناور ایستاد که بهترین نتیجه کشور در تاریخ ورزش آسیا به‌شمار می‌آید. تیم‌هایی مثل کویت و بحرین، برای نخستین بار در مسابقات حضور یافتند، تا رکورد تعداد کشورها نیز به عدد ۲۵ برسد. گفتنی است، امام علی حبیبی و غلامرضا تختی، دو تن از کشتی‌گیران قهرمان المپیک هستند که در عرصه سیاست در کسوت نماینده مجلس و فعال سیاسی حضور داشتند؛ غلامرضا تختی در بازی‌های المپیک ۱۹۵۲ برنز، ۱۹۵۶ طلا، و ۱۹۶۰ نقره گرفت و در سال ۱۹۶۴ مقام چهارم را به‌دست آورد و امام علی حبیبی در بازی‌های ۱۹۵۶ به مدال طلا و در سال ۱۹۶۰ به مقام چهارم دست یافت.

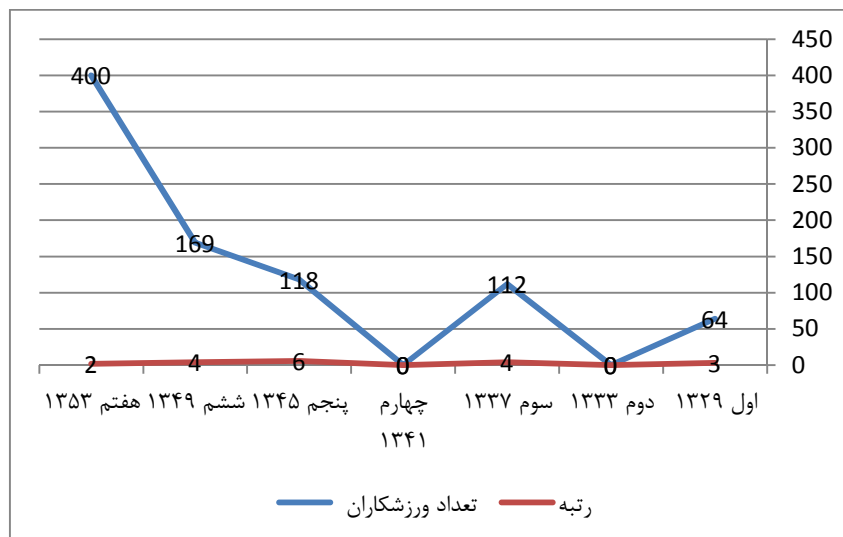
همان‌گونه که با مقایسه نمودار شماره (۱) و (۲) می‌توان دریافت، حضور ورزشکاران ایران در بازی‌های آسیایی، بسیار پررنگ‌تر از بازی‌های المپیک بوده است، ولی نکته قابل توجه این است که در دوره‌های دوم و چهارم، مشارکت نداشته‌اند. در این دو دوره، دلایل سیاسی و اقتصادی، موجب عدم حضور ایران شده است. گفتنی است، بیشترین مشارکت در المپیک‌های آسیایی و جهانی در دوره‌های پایانی حکومت پهلوی دوم، به سبب آماده شدن شرایط سیاسی از منظر داخلی و منطقه‌ای و همچنین، افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی رقم خورده است. به بیان دیگر، شاه توانست با ایجاد ثبات در داخل و افزایش درآمدهای نفتی، روند توسعه ورزش را سرعت بخشد. همان‌گونه که در نمودار شماره (۲) مشخص است، ایران در نخستین دوره بازی‌های آسیایی (۱۹۵۱ دهلی‌نو) رتبه سوم را کسب کرد و پس از پیمودن سیر نزولی در دهه‌های بعد، در دوره هفتم (۱۹۷۴ تهران) موفق به ارتقای رتبه و کسب مقام دوم شد. این بهبود رتبه به نسبت ورزشکاران شرکت‌کننده، حاکی از عدم موفقیت تعداد بیشتری از ورزشکاران است.

جدول شماره (۲). دستاوردهای کاروان ورزشی ایران در بازی‌های آسیایی

رتبه	تعداد کل مدال‌ها			رشته‌های مدال آور (مدال) و وقایع قابل توجه	تعداد کل ورزشکاران ایران	سال به شمسی	دوره سال میزبان
	طلا	نقره	برنز				
۳	۸	۶	۲	بسکتبال (مدال برنز)؛ شیرجه (یک مدال نقره و یک مدال برنز)؛ وزنه‌برداری (۷ طلا و ۳ نقره)؛ فوتبال (مدال نقره)؛ دوومیدانی (یک مدال طلا و یک مدال نقره)	۶۴ تن	۱۳۳۹	اولین سال میزبان دهلی‌نو
				هم‌زمان با ماجراهای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ورزش کشتی از این دوره در بازی‌های آسیایی گنجانده شد	عدم حضور ایران	اردیبهشت ۱۳۳۳	دومین سال میزبان مانیل فیلیپین
۴	۷	۱۴	۱۱	وزنه‌برداری (۳ طلا، ۴ نقره و یک برنز) تیم ایران قهرمان شد؛ کشتی آزاد (۳ طلا، ۳ نقره و ۲ برنز) امامعلی حبیبی، غلامرضا تختی و عباس زندی (طلا) تیم ایران دوم شد؛ مشت‌زنی (۳ نقره و ۳ برنز)؛ والیبال (مدال نقره)؛ دوومیدانی (یک طلا، یک نقره و ۲ برنز)؛ تنیس روی میز مردان (یک برنز در قسمت تیمی)؛ شیرجه (۲ برنز)؛ دوچرخه‌سواری (۲ نقره)	۱۱۲ تن (چهار بانوی ورزشکار نیز حضور داشتند)	۱۳۳۷	سومین سال میزبان توکیو
				محرومیت اسرائیل و تایوان از این دوره بازی‌ها	ایران شرکت نکرد	۱۳۴۱	چهارمین سال میزبان جاکارتا
۶	۶	۸	۱۶	وزنه‌برداری (۳ طلا و ۴ برنز) تیم ایران قهرمان شد؛ کشتی آزاد (۳ طلا و ۵ نقره) ایران قهرمان شد؛ دوومیدانی (۲ نقره و ۲ برنز)؛ والیبال مردان (مدال برنز)؛ والیبال زنان (مدال برنز)؛ فوتبال (مدال نقره)؛ دوچرخه‌سواری (دو برنز)؛ تنیس روی میز (یک برنز)؛ تنیس (یک برنز)؛ مشت‌زنی (۴ مدال برنز)	۱۱۸ تن	۱۳۴۵	پنجمین سال میزبان بانکوک
۴	۹	۷	۷	وزنه‌برداری (۲ مدال طلا، یک نقره و سه برنز)؛ مقام دوم تیمی پس از ژاپن؛ کشتی آزاد (۶ طلا، دو نقره و یک برنز)؛ مقام دوم تیمی پس از ژاپن؛ دوومیدانی (یک طلا و دو نقره)؛ در قسمت زنان تنها شرکت‌کننده ایران، شهلا صفوی در دوی ۱۰۰ متر بود که حذف شد؛ دوچرخه‌سواری (یک نقره و یک برنز)؛ مشت‌زنی (یک نقره و دو برنز)	۱۶۹ تن	۱۳۴۹	ششمین سال میزبان بانکوک
۲	۳۶	۲۸	۱۷	کشتی فرنگی (۸ طلا، یک نقره) ایران در مکان نخست ایستاد؛ کشتی آزاد (۵ طلا، ۴ نقره و یک برنز) ایران اول شد؛ دوومیدانی مردان (۳ طلا، ۲ نقره و ۳ برنز)؛ دوومیدانی زنان (بی‌مدال)؛ مشت‌زنی (۳ طلا، دو نقره و ۴ برنز)؛ مقام دوم تیمی؛ وزنه‌برداری (۴ طلا، ۳ نقره و یک برنز)؛ واترپلو (طلا)؛ شیرجه زنان (بدون مدال)؛ ژیمناستیک زنان (بی‌مدال)؛ دوچرخه‌سواری (۲ طلا، یک نقره و ۲ برنز)؛ شمشیربازی مردان (یک طلا، ۳ نقره و ۲ برنز)؛ شمشیربازی زنان (۲ طلا، یک نقره و یک برنز)؛ فوتبال (طلا)؛ تنیس مردان (مدال نقره انفرادی)؛ والیبال زنان (مقام پنجم)	۴۰۰ تن	۱۳۵۳	هفتمین سال میزبان تهران

منبع: www.olympic.ir

نمودار شماره (۲). سیمای رتبه و تعداد ورزشکاران ایرانی شرکت‌کننده در بازی‌های آسیایی



در دهه ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰، تیم ملی فوتبال ایران بیشتر مسابقات بین‌المللی‌اش را باخت؛ به‌عنوان نمونه می‌توان به بازی سال ۱۳۴۱ (به‌لحاظ سیاسی به‌شدت مهم) با عراق اشاره کرد که شاه را عصبانی کرد و باعث شد که پولی را که بنا بود صرف اعزام کاروان ایران به چهارمین دوره بازی‌های آسیایی در جاکارتا کنند، در میهن هزینه کند. در واقع، تا دهه ۱۳۴۰، فوتبال ایران به‌طور سنتی اداره می‌شد و نه تنها جایگاه خاصی در میان تیم‌های فوتبال آسیا نداشت، بلکه در سه دوره نخست جام ملت‌های آسیا، موفق به کسب سهمیه حضور در مسابقات نشد. نخستین حضور تیم ملی فوتبال ایران در جام ملت‌های آسیا در حالی اتفاق افتاد که میزبان و فاتح نهایی جام ملت‌های ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) ایران بود و فوتبال به یکی از ورزش‌های پرتماشگر تبدیل شد (اعتماد آنلاین). ورزش فوتبال به‌دلیل گسترش رسانه‌های جمعی (اعم از رادیو، تلویزیون، روزنامه‌ها و مجله‌ها) گسترش چشمگیری یافت. در واقع، اخبار و اطلاعات فوتبال از طریق رسانه‌های یادشده دنبال می‌شد (باقری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

این درحالی است که در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰، کشتی‌گیران آزادکار ایران تعداد زیادی مدال به‌دست آوردند. موفقیت‌های ایران در مسابقات ورزشی بین‌المللی، در مقایسه با پیروزی‌های کشتی‌گیران روی تشک، رنگی نداشت. این

موفقیت‌های جهانی کشتی‌گیران، در کنار پیشینه دیرپای این ورزش در ایران، کشتی آزاد را در سراسر دهه‌های ۱۳۲۰، ۱۳۳۰ و اوایل دهه ۱۳۴۰، به محبوب‌ترین ورزش در ایران تبدیل کرد. مرگ تختی، به‌عنوان پرافتخارترین چهره ورزش کشتی، در سال ۱۳۴۶ و وقایع دیگری که اشاره شد، رفته‌رفته فوتبال را جایگزین کشتی (به‌عنوان ورزش نخست کشور) کرد.

در راستای این تغییر، ایران و اسرائیل در حالی فینالیست‌های جام ملت‌های آسیا ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) به میزبانی ایران بودند که تنها یک سال پیش‌از آن، اسرائیل با همسایه‌های عرب، جنگ شش‌روزه را به‌راه انداخته بود و ایرانی‌ها سفت‌وسخت طرفدار اعراب (مسلمان) بودند (اعتماد آنلاین). اکنون، در زمانه‌ای که تیم‌های ورزشی عرب، بازی با اسرائیل را تحریم کرده بودند، ایران، میزبان و فاتح بازی قهرمانی شد. این نتیجه، در سه دوره متوالی برای تیم ملی فوتبال تکرار شد. به‌عبارت روشن‌تر، در جام ملت‌های ۱۹۷۲ و ۱۹۷۶ نیز قهرمان شد. گفتنی است، در سال ۱۹۷۶ نیز ایران، میزبان مسابقات بود. ایران در سال ۱۹۷۸ (مسابقات جهانی در آرژانتین)، برای نخستین بار در جام جهانی حضور یافت. درضمن، مهم‌ترین لیگ داخلی کشور در عهد پهلوی دوم، به فوتبال و جام تخت‌جمشید مربوط می‌شود که در آن، دو تیم «تاج» و «پرسپولیس» از دو طیف سیاسی-اجتماعی متضاد، حاضر بودند. البته در دهه ۱۳۵۰ و پیش از انقلاب ۱۳۵۷، مسابقات بسکتبال باشگاه‌های مردان ایران، «جام ولیعهد» و لیگ باشگاهی والیبال ایران با عنوان «جام پاسارگاد» برگزار می‌شدند و البته کشتی، فاقد لیگ و مسابقات کشوری بود.

## ۵. تحلیل یافته‌ها

از زمان صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ تا سال ۱۳۵۷، ۲۴ دوره مجلس شورای ملی تشکیل شد که سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ مصادف با دوره‌های سیزدهم تا بیست‌وچهارم مجلس در دوره سلطنت پهلوی دوم است. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۷، هم‌زمان با مجالس سیزدهم (۱۳۲۲-۱۳۲۰)، چهاردهم (۱۳۲۴-۱۳۲۲)، فترت یک‌ساله مجلس (۱۳۲۵)، و اوایل مجلس پانزدهم، محمدرضا شاه، یک شاه مشروطه بود. فضای نسبتاً باز سیاسی، آزادی احزاب و مطبوعات، و همچنین، فقدان تجربه و

جوان بودن شاه، از عواملی بودند که موجب شدند محمدرضا پهلوی نتواند آشکارا بر مجلس شورای ملی سیطره داشته باشد. بین سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۷ در پی وقوع رخدادهایی چون ترور شاه در دانشگاه تهران، تشکیل مجلس مؤسسان به‌منظور تجدیدنظر در قانون اساسی مشروطیت به دستور شاه و تأیید فراکسیون‌های گوناگون مجلس پانزدهم، تأسیس مجلس سنا، و تصویب لایحه ملی شدن صنعت نفت، ضعف دربار تاحدی کاهش یافت و بین مجلس و دربار نوعی توازن ایجاد شد. این برهه زمانی، با اواخر مجلس پانزدهم (تا ۱۳۲۸)، مجلس شانزدهم (بهمن ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰) و مجلس هفدهم (۱۳۳۲-۱۳۳۰) هم‌زمان است.

در دهه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شاه با دریافت کمک مالی از ایالات متحده، دولت را از ورشکستگی نجات داد، قدرت خویش را تثبیت کرد، رهبران کودتا را به مناصب کلیدی گمارد، و توانست با طرف‌های سیاسی در انتخابات مجلس اعمال نفوذ کند (احزاب متناسب به گماشتگان شاه، متهم به تقلب و مداخله در انتخابات شدند). مجالس هجدهم (۱۳۳۵-۱۳۳۲)، نوزدهم (۱۳۳۹-۱۳۳۵)، و بیستم (۱۳۴۰-۱۳۳۹) در این برهه زمانی فعالیت داشتند و مجلس بیست‌ویکم، پس از فترتی دوساله، در سال ۱۳۴۲ تشکیل شد. از سال ۱۳۴۲ به بعد، محمدرضا پهلوی به سوی یکپارچه‌سازی حکومت حرکت کرد. به بیان دقیق‌تر، از این پس، شاه به جای سلطنت، حکومت می‌کرد. در این راستا، در ارکان مهم سیاسی کشور، افراد همسو و مطیع به کار گمارده شدند که از مهم‌ترین آن‌ها، عبدالله ریاضی بود که بیش از ۱۴ سال، ریاست مجلس‌های شورای ملی (دوره‌های بیست‌ویکم ۱۳۴۶-۱۳۴۲، بیست‌ودوم ۱۳۵۰-۱۳۴۶، بیست‌وسوم ۱۳۵۴-۱۳۵۰ و بیست‌وچهارم ۱۳۵۷-۱۳۵۴) را به عهده داشت. تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس بیست‌ویکم، از موارد مهم تأییدکننده این حقیقت است. گفتنی است، بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بخشی از افزایش درآمدهای نفتی کشور، به گسترش آموزش همگانی، افزایش سطح رفاه همگانی، افزایش آگاهی، ایجاد صنایع، و... اختصاص یافت.

همان‌گونه که در جدول شماره (۳) مشاهده می‌شود، در عهد پهلوی دوم، ۵۵ (۵ آیین‌نامه و ۵۰ لایحه) مصوبه مرتبط با امور ورزش و تربیت بدنی وجود دارد که هیچ‌یک از آن‌ها، پیشنهاد نمایندگان نبوده است؛ به عبارت روشن‌تر، لایحه‌محور هستند

و سیاست‌های تقنینی دولت را نمایان می‌کنند. این نتایج، حاکی از این است که ابتکار قانون‌گذاری با قوه مجریه بوده است. به عبارت روشن‌تر، تمام مصوبات، منطبق با اصل تشریفات تقنینی است. گفتنی است، براساس رویه‌های قانون‌گذاری خوب در اصل حاکمیت قانون، قانون‌گذاری، فرایندی است که گرچه در صلاحیت قوه مقننه است، اما مستلزم همکاری قوای دیگر، به ویژه قوه مجریه است و براساس معیارهای قانون‌گذاری خوب، مصوبات مجلس باید به لوایح قوه مجریه متکی باشند.

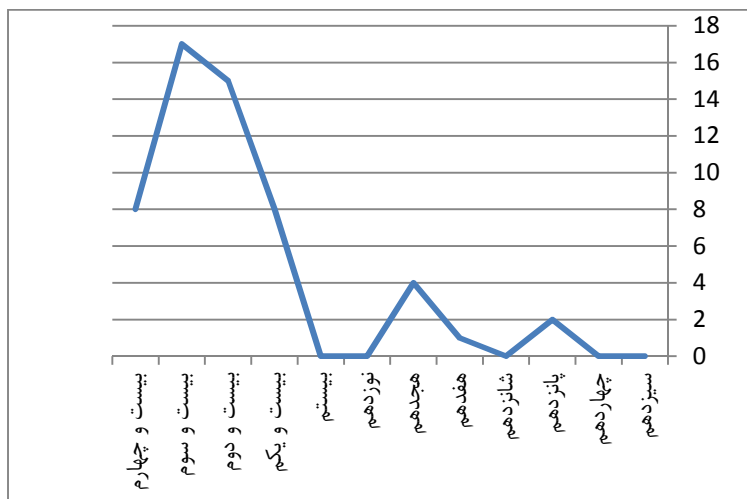
در ضمن، اصل بیست‌وهفتم قانون اساسی مشروطه، قوای کشور را در سه شعبه تجزیه می‌کند که شاه در قوه مقننه و قوه مجریه دارای نقش کلیدی است و نه تنها حق انشای قانون را در کنار مجلس دارد، بلکه قوانین مصوب مجلس باید به توشیح شاه برسند. افزون‌براین، در بند سوم این اصل عبارت: «قوه اجراییه که مخصوص پادشاه است، یعنی قوانین و احکام به توسط وزرا و مأمورین دولت به نام نامی اعلیحضرت همایونی اجرا می‌شود، به ترتیبی که قانون معین می‌کند» حاکی از تحت امر بودن دولت است؛ بنابراین، با وجود لایحه‌محور بودن و رعایت اصل تشریفات قانون‌گذاری خوب در تمام مصوبات ورزشی عهد پهلوی دوم — که از اصول حاکمیت قانون است — این قانون‌گذاری خوب، حاکی از قدرت مطلقه و تک‌بعدی بودن قدرت در نظام شاهنشاهی است.

جدول شماره (۳). سیمای قوانین موضوعه ورزش در عهد پهلوی دوم

دوره تقنینی	مجموع قوانین مرتبط با ورزش	لوايح تبدیل شده به قانون	طرح‌های تبدیل شده به قانون	درصد لوايح طرح‌ها	درصد لوايح طرح‌ها
سیزدهم	صفر	صفر	صفر	صفر	صفر
چهاردهم	صفر	صفر	صفر	صفر	صفر
پانزدهم	دو	دو	صفر	صد	صفر
شانزدهم	صفر	صفر	صفر	صفر	صفر
هفدهم	یک	یک	صفر	صد	صفر
هجدهم	چهار	چهار	صفر	صد	صفر
نوزدهم	صفر	صفر	صفر	صفر	صفر
بیستم	صفر	صفر	صفر	صفر	صفر
بیست‌ویکم	هشت	هشت	صفر	صد	صفر
بیست‌ودوم	پانزده	پانزده	صفر	صد	صفر
بیست‌وسوم	هفده	هفده	صفر	صد	صفر
بیست‌وچهارم	هشت	هشت	صفر	صد	صفر
مجموع دوره‌ها	پنجاه‌وپنج	پنجاه‌وپنج	صفر	صد	صفر



نمودار شماره (۳). سیمای قوانین و احکام موضوعه ورزش در مجالس عهد پهلوی دوم

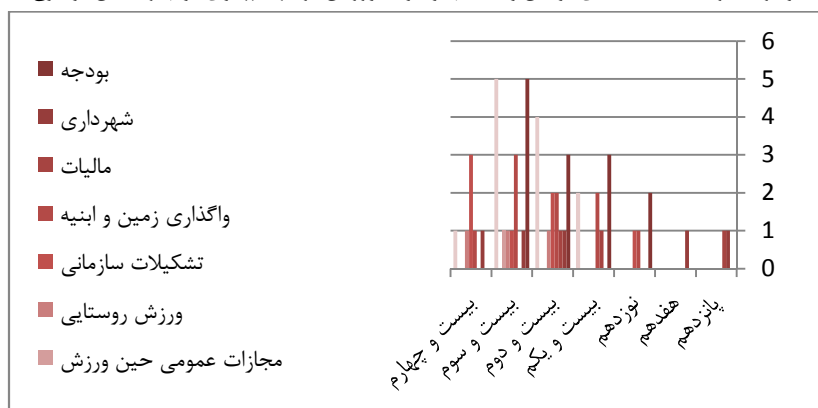


همان‌گونه که در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود، قوانین موضوعه ورزش در ۹ موضوع اصلی، قابل تمییز و تفکیک هستند؛ این مصوبات و موضوعات عبارتند از: ۱۵ حکم قانونی لایحه بودجه، متمم بودجه و اصلاح بودجه سالانه کل کشور، ۵ حکم قانونی مرتبط با مدیریت شهری و شهرداری، ۲ حکم قانونی و یک مورد آیین‌نامه درباره معافیت از مالیات فعالیت‌های مرتبط با امور ورزش و تربیت بدنی، ۹ حکم قانونی درباره واگذاری بنا و زمین به بخش‌های گوناگون برای استفاده ورزشی، ۷ قانون و حکم قانونی درباره تشکیلات سازمانی ورزش کشور، ۱۰ حکم قانونی و یک مورد آیین‌نامه در میان قوانین برنامه‌های بلندمدت کشور، ۳ حکم قانونی درباره ورزش روستایی، یک مورد درباره مجازات عمومی حین ورزش، و یک مورد حکم قانونی درباره اجازه تخصیص اعتبار برای ساخت استادیوم ورزشی. از بین موارد یادشده، ۵ مورد به برنامه‌های آیین‌نامه‌ای تصویب‌شده در صحن علنی و کمیسیون‌ها مربوط می‌شوند. گفتنی است، مجالس سیزدهم، چهاردهم، شانزدهم، هجدهم، و بیستم، فاقد مصوبه ورزشی بوده‌اند که در جدول شماره (۴) نیز ذکر نشده‌اند.

جدول شماره (۴). دسته‌بندی قوانین و احکام موضوعه ورزش در عهد پهلوی دوم براساس موضوع

شماره (ق)	موضوع اصلی	تعداد مصوبات در هر دوره تقنینی					
		پانزدهم	هفدهم	نوزدهم	بیست و یکم	بیست و دوم	بیست و سوم
۱	بودجه			دو	سه	چهار	پنج
۲	شهرداری	یک	یک			یک	یک
۳	مالیات	یک			یک	یک	
۴	واگذاری زمین و بنا			یک	دو	دو	سه
۵	تشکیلات سازمانی			یک		دو	یک
۶	ورزش روستایی					یک	یک
۷	مجازات عمومی حین ورزش						یک
۸	ساخت استادیوم						یک
۹	برنامه‌های عمرانی بلندمدت				دو	چهار	چهار

نمودار شماره (۴). دسته‌بندی قوانین و احکام موضوعه ورزش در عهد پهلوی دوم براساس موضوع



یافته‌های مربوط به سیاست‌های تقنینی، با توجه به رویکردهای چهارگانه توسعه ورزش، در جدول شماره (۵) قابل مشاهده هستند. گفتنی است، محتوای برخی از مصوبات ورزشی، یک، دو، سه، یا هر چهار رویکرد توسعه ورزش را دربر می‌گیرد. درضمن، مجالس سیزدهم، چهاردهم، شانزدهم، هجدهم، و بیستم، فاقد مصوبه ورزشی بوده‌اند و به همین سبب در این جدول مطرح نشده‌اند. یافته‌های سیاست‌های تقنینی ورزشی، حاکی از وجود ۴۳ مصوبه با رویکرد توسعه ورزش آموزشی، ۳۱ مصوبه با رویکرد توسعه ورزش همگانی، ۳۲ مصوبه با رویکرد توسعه ورزش قهرمانی، و ۱۴ مصوبه با رویکرد توسعه ورزش حرفه‌ای است. این یافته‌ها در

مجالس و برهه‌های زمانی مختلف عهد پهلوی دوم، نشان‌دهنده شرایط سیاسی-اجتماعی حاکم بر کشور و نگاه حاکمیت وقت به ورزش است. بیشترین مصوبات ورزشی، به مجلس بیست‌وسوم مربوط می‌شوند.

گفتنی است، مجلس شورای ملی از دوره بیست‌ویکم به بعد، روال متفاوت‌تری با دوره‌های پیشین داشت؛ به این معنا که سلطه شاه بر قوه مقننه تشدید شد. تقویت قدرت محمدرضا پهلوی پس از کودتا و حضور عناصر وابسته به دربار، از جمله عبدالله ریاضی به عنوان رئیس مجلس، در دوره‌های بعدی نقش ویژه‌ای در افزایش هماهنگی دربار و مجلس داشت. بر همین اساس، سیاست‌های دربار در تقویت ورزش به عنوان یکی از مؤلفه‌های افزایش قدرتش، در قالب سیاست‌های تقنینی دولت در دستورکار قرار گرفت که نشان‌دهنده عدم رعایت اصل برابری سیاسی و تصمیم‌گیری مبتنی بر آن (اصول تشریفاتی قانون‌گذاری خوب) است. تعدد لوایح ارسالی، تقویت برنامه‌های عمرانی، و همچنین، توسعه تشکیلات سازمانی، از جمله نتایج این پیوند و همسویی سیاسی مجلس و دربار است که مهم‌ترین نمود آن، به بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ مربوط می‌شود. افزون‌براین، تنوع فعالیت‌های مجلس در عرصه ورزش، از مجلس ۲۱ به بعد قابل توجه است. تصویب قوانینی در حوزه‌های عمرانی، ساخت استادیوم، و ورزش روستایی، نشان‌دهنده افزایش اهمیت ورزش و تغییر نگاه به آن است.

جدول شماره (۵). فراوانی سیاست‌های تقنینی براساس رویکردهای چهارگانه ورزش در دنیای مدرن

ردیف	دوره تقنینی	سیاست‌های تقنینی مبتنی بر رویکردهای چهارگانه ورزش		
		آموزشی	همگانی و تفریحی	قهرمانی
۱	پانزدهم، تیر ۱۳۲۶-مرداد ۱۳۲۸	۲	۱	۱
۲	هفدهم، اردیبهشت ۱۳۳۱-آبان ۱۳۳۲	۱	۱	۱
۳	نوزدهم، خرداد ۱۳۳۵-خرداد ۱۳۳۹	۳	۱	۱
۴	بیست‌ویکم، مهر ۱۳۴۲-مهر ۱۳۴۶	۷	۵	۵
۵	بیست‌ودوم، مهر ۱۳۴۶-شهریور ۱۳۵۰	۱۳	۱۱	۷
۶	بیست‌وسوم، شهریور ۱۳۵۰-شهریور ۱۳۵۴	۱۲	۱۱	۱۲
۷	بیست‌وچهارم، شهریور ۱۳۵۰-بهمن ۱۳۵۷	۷	۳	۵
۸	جمع	۴۵	۳۳	۳۲
۹	درصد فراوانی کل	۳۶/۳	۲۶/۶	۲۵/۸

دوران پادشاهی محمدرضا پهلوی، سرشار از فرود و فرازهای گوناگون است که از حوصله این بحث خارج است و تنها به‌طور مختصر، به سه مقطع تاریخی دوران

پادشاهی وی اشاره خواهیم کرد. دوره نخست از شهریور ۱۳۲۰ و خلع رضاشاه و به قدرت رسیدن محمدرضاشاه است که بیشتر به سلطنت مدل مشروطه نزدیک است. بر همین اساس، قدرت در نهادهای مدنی، از جمله احزاب و نخبگان، تقویت شده و احزاب قدرتمندی مانند حزب توده و شخصیت‌های بزرگی چون مصدق، در سپهر سیاسی ایران، عرض اندام کردند. این روند تاحدی ادامه داشت که بسیاری از کارها، با وجود مخالفت شاه، انجام می‌شد. پس از کودتای ۱۳۳۲ و قدرت‌گیری دوباره شاه، احزاب و نهادهای سیاسی به شدت سرکوب شدند، ولی شخصیت‌ها و رجال قدیمی‌ای مانند علی/امینی، تاحدودی در ساختار قدرت حضور داشتند. اما از سال ۱۳۴۲ به بعد، محمدرضا پهلوی به سوی یکپارچه‌سازی حکومت حرکت کرد. به بیان دقیق‌تر، از این پس، شاه به جای سلطنت، حکومت می‌کرد. در این راستا، در ارکان مهم سیاسی کشور، افراد همسو و مطیع به کار گمارده شدند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، عبدالله ریاضی بود که بیش از ۱۴ سال، ریاست مجلس‌های شورای ملی را به عهده داشت. از این زمان، مجلس شورای ملی، در جهت «رهنمودهای ملوکانه» محمدرضا حرکت می‌کرد. گفتنی است، از مجلس بیست و یکم که به ریاست ریاضی آغاز شد، فعالیت‌های تقنینی مجلس در حوزه ورزش نیز در راستای توسعه ورزش توسط دولت، رشد قابل توجهی داشته است. بازی‌های آسیایی در اوج اقتدار سیاسی و رشد چشمگیر درآمدهای نفتی برگزار شد.

پهلوی دوم، در این دوران که رقیبان سیاسی داخلی را حذف، و شاکله منسجم و همراهی در مجلس و دولت ایجاد کرده بود، سودای گسترش قدرت سیاسی در منطقه را در سر می‌پروراند. در همین راستا، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ و دعوت از کشورهای جهان و منطقه در دستور کار قرار گرفت تا نمایش قدرت وی کامل شود. به بیان روشن‌تر، در مقطع سوم پادشاهی محمدرضاشاه که با انسجام سیاسی در درون حکومت همراه بود - حوزه ورزش تقویت شد و ابزار ورزش، زمینه تقویت هژمونی داخلی و بسط آن به منطقه و جهان را فراهم کرد؛ بنابراین، می‌توان گفت، در مقطع سوم حکومت پهلوی دوم ورزش به عنوان ابزاری در خدمت سیاست قرار گرفت و همچنین، با افزایش درآمدهای نفتی، زمینه توسعه آن نیز فراهم شد.

## نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش، حاکی از ۵۵ مورد مصوبه مجالس عهد پهلوی دوم درباره امور مرتبط با ورزش و تربیت بدنی برآمده از لوایح پیشنهادی دولت است. به سخن دیگر، ۱۰۰ درصد قوانین موردنظر، لایحه‌محور و منطبق با اصل تشریفات تقنینی از اصول تشریفاتی نظریه قانون‌گذاری خوب است. در واقع، سیاست‌های تقنینی دولت به گونه‌ای حداکثری، قوانین و احکام موضوعه ورزش را مشخص کرد. این اتفاق نادر، ناشی از عدم توازن قدرت در بین قوا و چالش تفکیک قوا است که پژوهش صوفی و همکاران (۱۳۹۸) نیز تأییدگر این نکته و حاکی از عدم برابری سیاسی و اهمیت روش‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر آن (از نکات اشاره‌شده در اصول تشریفاتی قانون‌گذاری خوب) است.

بنابراین، یک دولت قانون‌سنتی-انتقالی بازنمایی می‌شود که در جهان معاصر با بهره‌مندی از تجربه جوامع غربی و اجبارهای نظم بین‌المللی، رویکردهای توسعه ورزش را بدون برنامه عقلایی یا ایدئولوژیک و با هدف مدرنیزاسیون و تقویت هژمونی داخلی و بسط آن به منطقه و جهان دنبال می‌کند. در این نوع دولت قانون، مناسبات قدرت و قانون، سیال و فرار هستند؛ به عبارت دقیق‌تر، دیالکتیک قدرت-قانون روبه‌افول می‌گذارد و قوانین غیرعقلایی افزایش می‌یابد. این وضعیت در تصویب قانون تشکیل سازمان تربیت بدنی (۱۳۵۰) و سپس، قانون انحلال این سازمان و واگذاری اختیارات (۱۳۵۶) مشهود است؛ علت اصلی این تصمیم، عدم موفقیت ایران در المپیک ۱۹۷۶ مونترال و عصبانیت شاه از نتایج ضعیف کاروان ورزشی ایران با توجه به اهمیت ورزش به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت نرم در فضای ژئوپلیتیک بین‌المللی بود.

نتایج به‌دست‌آمده در مورد رویکردهای چهارگانه به ورزش در سیاست‌های تقنینی، حاکی از عدم توازن در توسعه چهار مؤلفه ورزش آموزشی (۳۶/۳)، همگانی و تفریحی (۲۶/۶)، قهرمانی (۲۵/۸) و حرفه‌ای (۱۱/۲) است؛ بنابراین، با وجود سیاست‌های تقنینی مناسب برای توسعه ورزش آموزشی، همگانی و تفریحی، و قهرمانی که نیاز جامعه آن روز بود، کمیت و کیفیت سیاست‌های تقنینی در ورزش حرفه‌ای، سبب افزایش تصدی‌گری دولت در این عرصه و فقدان

ساختارهای پویا و کارآمد در ورزش حرفه‌ای و در نتیجه، عقب‌ماندگی صنعت ورزش در ایران شد. در ضمن، لایحه قانون اصلاح بودجه سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی سازمان تربیت بدنی ایران، برای نگهداری مجموعه ورزشی آریامهر مصوب ۱۳۵۵/۱۲/۱۹، حاکی از فقدان برنامه بلندمدت مالی (براساس قانون ادامه حیات اماکن، هزینه‌های نگهداری مجموعه پس از برگزاری رویدادهای ورزشی از طریق منابع دولتی و درآمدهای نفتی تأمین می‌شود) نشان‌دهنده ضعف برنامه‌ریزی برای کاهش پیامدهای اقتصادی منفی پس از برگزاری رویدادهای ورزشی است.

با وجود اینکه مصوبات ورزشی، به گونه‌ای صد درصدی با تشریفات تقنینی موجود در نظریه قانون‌گذاری خوب هماهنگ است، اما با اصل برابری سیاسی و اهمیت روش‌های تصمیم‌گیری مبتنی بر آن (یکی دیگر از اصول تشریفاتی قانون‌گذاری خوب) و همچنین با اصل حاکمیت قانون (یکی از شاخص‌های مورد تأکید نظریه حکمرانی خوب) در تضاد است؛ بنابراین، سیاست‌های تقنینی دولت قانون سنتی انتقالی پهلوی دوم، موفق به قانون‌گذاری برای توسعه همه‌جانبه ورزش در دنیای مدرن نشد.\*

## منابع

- آزموده، فهیمه؛ حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۸)، «تأثیر توانمندسازی سیاسی زنان بر حکمرانی خوب: (درس‌هایی از سوئد برای ایران)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۴، شماره ۲.
- احمدزاده، محمدمیر (۱۳۹۴)، «اهمیت کاربرد الگوها و روش‌های تحلیل اسناد در پژوهش تاریخی»، تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، دوره ۲۵، شماره ۱۵.
- اسلک، ترور (۱۳۹۱)، تجاری‌سازی ورزش (بازرگانی ورزش)، ترجمه سید محمدحسین رضوی و سکینه نویختی، آمل: شمال پایدار.
- دهقان‌نژاد، مرتضی؛ آغایلی، امیر (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل ماهیت و نقش سیاسی وزارت دربار در عصر پهلوی دوم»، پژوهش‌های تاریخی، دوره ۶، شماره ۳.
- راسخ، محمد؛ مرکز‌المیری، احمد (۱۳۹۱)، «تبیین اصول تشریفاتی قانون‌گذاری»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۵، شماره ۱۱۳.
- باقری، مجتبی؛ قدیمی، بهرام؛ علیپور درویش، زهرا؛ اصلانخانی، محمدعلی (۱۳۹۷)، «شناسایی عوامل اجتماعی مؤثر بر گسترش ورزش فوتبال در دوران پهلوی دوم»، مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۷، شماره ۳.
- جلالی فراهانی، مجید؛ علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۰)، مدیریت رویدادها و اردوهای ورزشی، تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۲)، «تحلیل موانع اقتصادی مؤثر بر اجرای سیاست‌هایی کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران»، مطالعات مدیریت ورزشی، دوره ۵، شماره ۱۹.
- حاضری، علی‌محمد؛ محمدی، رحیم (۱۳۹۲)، «دولت قانون، سیاست‌های تقنینی و شرایط اجتماعی؛ بررسی جامعه‌شناختی سیاست‌های تقنینی دولت پس از انقلاب اسلامی با اتکا به تحلیل قانون مطبوعات»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۸، شماره ۲.
- ژانت بی، پارکز و همکاران (۱۳۸۲)، مدیریت معاصر در ورزش، ترجمه محمد احسانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- سازمان تربیت بدنی (۱۳۸۲)، سند راهبردی نظام جامع توسعه مدیریت تربیت بدنی و ورزش کشور مصوبه جلسه مورخه ۱۳۸۲/۶/۹ هیئت وزیران.
- شعبانی‌مقدم، کیوان؛ فراهانی، ابوالفضل (۱۳۹۴)، «میانجی‌گری به‌عنوان شیوه‌ای برای حل‌وفصل اختلافات در ورزش (با معرفی فرایند میانجی‌گری در دیوان بین‌المللی حکمیت در ورزش)»، پژوهش‌های کاربردی در مدیریت ورزشی، دوره ۴، شماره ۳.

صحرائی، علیرضا؛ خلیلی، محسن؛ منشادی، مرتضی؛ اسلامی، روح‌اله (۱۳۹۸)، «تعلیق مشروطیت/ برتری استثناء برآمدن دولت مطلقه پهلوی»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۱۴، شماره ۲.

عبداله‌زاده شهربابکی، آزاده (۱۳۹۵)، «قانون‌گذاری خوب در رویه قضایی: نگاهی به آرای دیوان عالی آمریکا، شورای قانون اساسی فرانسه و دادگاه‌های اروپایی»، مجلس و راهبرد، دوره ۲۳، شماره ۸۸.

علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم؛ جلالی فراهانی، مجید؛ نادران، الیاس (۱۳۹۰)، «موانع توسعه تعاونی‌های ورزشی در ورزش حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴»، مدیریت ورزشی، دوره ۳، شماره ۱۰.

علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم؛ جلالی فراهانی، مجید؛ گودرزی، محمود؛ نادران، الیاس (۱۳۹۲)، «تحلیل موانع فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در ورزش حرفه‌ای ایران»، مطالعات مدیریت ورزشی، دوره ۵، شماره ۲۰.

علی‌دوست قهفرخی، ابراهیم (۱۳۹۸)، «تحلیل موانع حقوقی و قانونی اثرگذار بر اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در فوتبال حرفه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، مدیریت ورزشی، دوره ۱۱، شماره ۳.

علی‌صوفی، علی‌رضا؛ عسکرانی، محمدرضا؛ صادقی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «تحلیل چالش تفکیک قوا در دوره پهلوی دوم، نمونه پژوهی: تفسیر اصل ۸۲ متمم قانون اساسی»، پژوهش‌های تاریخی، دوره ۱۱، شماره ۲.

فاضلی، حبیب‌اله (۱۳۹۱)، «ورزش و سیاست هویت»، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۷، شماره ۲.

قالیباف، محمداقبر (۱۳۹۱)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مرکز‌المیری، احمد؛ عطار، سعید (۱۳۹۷)، «آسیب‌شناسی قانون‌گذاری در ایران از منظر رویه ابتکار قانون‌گذاری»، مجلس و راهبرد، دوره ۲۵، شماره ۹۶.

مرکز‌المیری، احمد؛ مهدی‌زاده، مهدی (۱۳۹۴)، «قانون‌گذاری پراکنده در نظام تقنینی ایران»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۷، شماره ۴۷.

مرکز‌المیری، احمد؛ وکیلان، حسن (۱۳۹۵) «فلسفه قانون‌گذاری: در تکاپوی ارتقای کیفیت قانون»، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۸، شماره ۵۱.

Ekholm, D and Lindström Sol, S (2020), "Mobilising Non-participant Youth: Using Sport and Culture in Local Government Policy to Target Social Exclusion, *International Journal of Cultural Policy*, 26: 4.

Koch, N. (2018), "The Geopolitics of Sport Beyond Soft Power: Event Ethnography and the 2016 Cycling World Championships in Qatar", *Sport in Society*, 21:12, 2010-2031.

Lindfelt, Mikael (2010), *Elite Sports in Tension: Making Identification the Core*



Moral Norm for Professional Sports in the Future, *Sport in Society*, Vol.13, No.2.  
Mull Richard, F, Kathryn, G. Bayless, Craig M. Ross, Lynn M. Jamieson (2005),  
"Recreational Sport Management", *Human Kinetics*, 4th edition.

Rc.majlis.ir/fa/law

Veselina, Kanatova Buchkova. (2010). The Bulgarian Model of Sports  
Governance, *International Sports Law Review Pandektis*, Issue 3/4, p103 7p.

Wise, N and Kohe ,G. (2020), "Sports Geography: New Approaches,  
Perspectives and Directions", *Sport in Society*, 23:1

www.etemadonline.com

Www.ical.ir/fa/mashroohmozakerat

www.leader.ir/fa/content/23574/www.leader.ir

www.olympic.ir

Www.parliran.ir

www.qavanin.ir